روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir
چهارشنبه • ۷ اسفند ۱۳۹۲ • ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ • ۲۶ فوریه ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۶۳ • ۱۶صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۴ • طلوع آفتاب ۶:۳۷

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

از هر نظر بی‌ضرر

کارم را با «لایک» استادان شروع کردم

پوریا عالمی

سین- شما کارتان را از کجا شروع کردید؟
جیم- کارم را با لایک استادان در فیس‌بوک شروع کردم.
سین- استاد در نظر شما چه کسی است؟
جیم- هرکسی که من بتوانم به‌عنوان نردبان ازش استفاده کنم و خودم را بکشم بالا، یا پای من را به میهمانی‌های شبانه استادان باز کند، استاد است. کلا من معتقدم وسیله هدف را و هدف وسیله را توجیه می‌کند و آدم برای بالارفتن باید پایش را روی شانه و کله هرکسی که توانست بگذارد. وقتی هم که دستش به جایی بند شد و پاگیر شد، شروع کند به استادان دیگر فحش ادبی و بی‌ادبی بدهد تا ثابت کند که به هیچ استادی مدیون نیست و هیچ‌کسی را آدم حساب نمی‌کند.
سین- نحوه کار خود را توضیح دهید.
جیم- بنده پشت مانیتور مترصد هستم که استادان استاتوس بگذارند، سریع می‌پرم و استاد را لایک می‌کنم و کامنت می‌گذارم: وا استادا... هیهات... تاریخ را با همین استاتوس به دونیم قسمت کردید.
سین- در محضر کدام استادان تلمذ کرده‌اید.
جیم- من فرصت تلمذ نداشتم برای همین مستقیم وارد وضعیت فرندی شدم با استادان. البته چندتا استاد را هم فالو می‌کنم که منتظرم جا باز شود بپرم در آغوششان.
سین- فایده لایک‌کاری دیگران توسط شما چیست؟
جیم- ببینید، راستش من هیشکی‌هیشکی را قبول ندارم. ولی استراتژی من «استراتژی لایک و تعریف» است. درواقع من توی میهمانی و محفل‌های خصوصی همه را می‌شویم می‌گذارم کنار. اما وقتی قرار باشد کتابی از من منتشر شود، یا نمایشگاهی بگذارم یا به‌هرحال چیزی از خودم بروز بدهم، می‌روم در کار لایک و تعریف از استادان.
سین- سابقه کار شما چیست؟
جیم- ششصد لایک‌کاری استادان. چهارصد تگمالی استادان. هفتصد شیرمالی استادان.
سین- دوست دارید وقتی بزرگ شدید چه‌کاره شوید؟
جیم- من از همه بزرگ‌ترم و جایی برای پیشرفتم نمانده.
سین- رابطه استادان با شما چگونه است؟
جیم- ببینید، آنها کارشان پیش من گیر است. چون چندتا دوست رسانه‌ای پیدا کردم و خودم هم یک سایت دارم که استادها را توش آویزان می‌کنم. توجه کنید که من الان به جایی رسیده‌ام که استادان و دیگران باید بیایند من را لایک کنند.
سین- پس نتیجه می‌گیریم هنر نزد لایکیان است و بس.

کارتون خواب

فیروزه مظفری
firoozeh.mozaffari@gmail.com

عیدی بازنشسته‌ها پرداخت شد.

پاسخ به فراخوان

پذیرش «کپی‌رایت» و نفع و ضررهایش

جمال میرصادقی

موضوع «کپی‌رایت» و پرداخت حق مولف را از دومنظر می‌توان مورد بررسی قرار داد. نخست اینکه به لحاظ شرافت ادبی و اخلاقی درست این است که ما هم مثل تمام کشورهای جهان، به «کپی‌رایت» بپیوندیم و آن را بپذیریم. متاسفانه تا به حال، ما کپی‌رایت را قبول نکرده‌ایم و هر کتابی را از هر نویسنده‌ای، بدون اجازه از ناشر و خود نویسنده، ترجمه و منتشر می‌کنیم اما اگر این قانون وضع شود باعث خواهد شد ارتباطی دوطرفه ایجاد شود. بهتر است کپی‌رایت را بپذیریم تا انتشار کتاب‌هایمان از حالت بی‌قیدی دربیاید. پذیرفتن این قانون، هم منافعی دارد و هم ضررهایی. نفعش این است که کتاب‌های نویسنده‌های ایرانی با پرداخت حق مولف منتشر می‌شود و ضررش این است که وقتی ما به این جریان نپیوندیم جهان توجه کافی به ادبیات ما نخواهد داشت و ادبیاتمان آنطور که درخور است، شناخته نخواهد شد. در ترکیه این امر پذیرفته شده و این شرایط را فراهم کرد تا «پاموک» به‌قدری شناخته شود که نوبل هم گرفت. پیروی‌نکردن از حق کپی‌رایت، به نوعی همان دزدی و سرقت ادبی است. اگر ادعای پیشرفته‌بودن داریم باید در مقابل ترجمه یک اثر، حقوق نویسنده و ناشرش را پرداخت کنیم. این‌گونه آنها هم ملزم می‌شوند هر کتابی که از نویسندگان ایرانی می‌خواهند منتشر کنند، حقوق نویسنده را بجا آورند. اما منظر دوم کپی‌رایت، مساله انتشار کتاب‌های افست در ایران است. سالانه با تیراژ بالا کتاب‌هایمان غیرقانونی منتشر می‌شوند و کاری نمی‌توانیم بکنیم. البته این با همه ضررهایی که دارد یک نفع هم دارد. آن کتاب‌ها از ممیزی در امان می‌مانند. افرادی هستند که زندان و جرم را می‌پذیرند و کتاب‌هایی که موفق به دریافت مجوز نمی‌شوند را، مثل «درازنای شب» من، به قیمت بالاتر منتشر کرده و می‌فروشند. در این وضعیت، کتاب نویسنده را به خواننده می‌رسانند. اما خب متاسفانه حق مادی نویسنده پرداخت نمی‌شود. مثل چاقوی دولبه می‌ماند که هم می‌توان با آن جان آدمی را نجات داد و هم جان کسی را گرفت... .

یک حرف، یک نگاه

ایرانگردی راهی برای آشتی با مفهوم وطن

بهاره رهنما

در سفری دوروزه به استان غرورآفرین اردبیل و شهر زیبای سرعین یک‌بار دیگر با گوشه دیگری از سرزمین زیبا و پرافتخار کشورم آشنا شدم. جدا از جاذبه‌های عجیب چشمه‌های آب معدنی در سرعین که هرکدام خواص درمانگری خود را دارد و جدا از هتل‌ها و خیابان‌های زیبای آماده پذیرایی از گردشگران داخلی و خارجی و هوای بی‌نظیر و سبلان زیبا و پرغرور و آسمانی به رنگ آبی نقاشی‌های کودکی من، چیزی که توجه من را برانگیخت فرهنگ خاص مردم سرعین و اردبیل بود که امنیت بسیار بالایی را در این شهر ایجاد کرده بود. مردم همه حافظ جان و مال و ناموس هم هستند و جالب است که بدانید تقریبا هیچ دزدی‌ای در این دو شهر اتفاق نمی‌افتد و مردم به‌راحتی در منازل یا ماشین‌هایشان را باز می‌گذارند و وقتی من با تعجب دو، سه‌بار سوال کردم همگی گفتند اینجا هیچ‌کس دزدی نمی‌کند حتی اگر به نان شب محتاج باشد. حتی وقتی به یک راننده تاکسی که زنجیر طلایی‌رنگ جلو شیشه‌اش آویزان کرده بود گفتم خطرناک است شیشه را نشکنند کلی به من خندید و من بار دیگر به لزوم فرهنگسازی برای داشتن نسلی بهتر پی بردم. به اینکه بیشتر باورهای آدم‌ها از درون خانه و خانواده شکل می‌گیرد و به سختی تغییر می‌کند، حتی در سخت‌ترین شرایط آموخته‌های یک خانواده خوب فراموش نخواهد شد. به‌هرحال سفر به این استان زیبا و دیدار مردم بافرهنگ و بسیار مهربانش را به‌شدت توصیه می‌کنم. در واقع اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم متاسفانه به‌عنوان مادر با نسلی مواجه هستیم که نه‌تنها تاریخ کشورش را درست نمی‌شناسد بلکه از جغرافیای خاص و جادویی ایران هم طبعا اطلاعات چندانی ندارد. حالا از این نسل توقعی هم نمی‌رود که چرا مثل ما کشورش را دوست ندارد و چرا مثل نسل من با شنیدن سرود ای‌ایران اشک در چشمانش حلقه نمی‌زند و چرا همه آمال و آرزوهایش را دارد در جایی خیالی آن‌سوی مرزهای کشورش دنبال می‌کند. دلم می‌خواهد این بچه‌ها را با مفهوم وطن آشتی دهم. خودم مادرم و یکی‌شان را در خانه دارم یک آره خوب پیدا کرده‌ام: ایرانگردی. در فاصله‌ای که برای کار یا حضور در شبکه‌های تلویزیونی یا نمایش یا برنامه سفرهای استانی می‌روم یا دخترکم را می‌برم یا مرتب برایش عکس و مطلب می‌فرستم و حالا می‌بینم کم‌کم برایش گوشه و کنار کشورش چقدر جذاب می‌شود. ایران پر از نقاط بکر و عجیب و متفاوت در دنیاست. کودکانتان را با سرزمین مادریشان آشنا کنید.

اتفاق می‌افتد

نشان عالی هنر و ادبیات فرانسه به «فرهادی» اعطا می‌شود

شرق: ویترین افتخارات اصغر فرهادی هرروز پربارتر می‌شود. بعد از دریافت اسکار بهترین فیلم خارجی برای «جدایی نادر از سیمین» و موفقیت‌های پی‌درپی فیلم «گذشته» خبر رسید که این فیلمساز پرافتخار سینمای ایران نشان عالی (آفیسیر) هنر و ادبیات فرانسه را از آن خود می‌کند. اصغر فرهادی نشان عالی هنر و ادبیات فرانسه (officer of Arts and Letters) را از وزیر فرهنگ این کشور دریافت می‌کند. این نشان، پنجشنبه هشتم اسفند (۲۷ فوریه) طی مراسمی با حضور اورلی فیلیپتی، وزیر فرهنگ کشور فرانسه، به دلیل خلاقیت‌های هنری و تاثیر فرهادی بر هنر و ادبیات فرانسه و سراسر جهان، به این کارگردان اهدا می‌شود. این انجمن هرساله، سه‌مدال مختلف را به چهره‌های تاثیرگذار ادبی و هنری اهدا می‌کند که به‌ترتیب عبارتند از: ژنرال، آفیسیر و شوالیه. اهدای مدال‌هایی به نام اندیشمندان و فرهیختگان فرهنگی جهان، چند دهه است از سوی دولت فرانسه و شهرداری پاریس برای تقدیر از چهره‌های فرهنگی و هنری جهان مرسوم بوده و نشان «آفیسیر» تاکنون به افرادی چون علیرضا سمیع‌آذر و پروفسور ناصر دارابی‌ها اهدا شده است.